

رسانه ملی روی خطر له!

آن روزها که رادیو ایران تازه افتتاح شده بود و میدان از گ پاتوق دوستاران و منتاقان شاهد حضور این رسانه نورسیده برای رقابت با مطبوعات بودند، امروز را نمی‌خواندند که اگر چه هنوز هم رسانه مکتوب افتان‌وخیزان روی پای خود ایستاده و به پیش می‌رود اما شنیداری آن به نفس نفس افتاده است!

وقتی در لایحه تقدیمی دولت به مجلس قانونگذار سعی می‌شود تا آنجا که ممکن است فشار بر دستگه‌هایی وارد گردد که به‌ظاهر بودبودشان جایگاهی ندارد، آن‌وقت نوبت رسانه‌های مکتوب می‌شود تا نسرایت ۳۶ صفحه‌ای را آرام‌آرام به ۸ صفحه تقلیل و نیروهای خود را نیز به همین نحو کاهش دهند اما همچنان با همان هشت صفحه به انجام رسالت خود بپردازند. آنها تنها راه چاره را برای ماندن تقلیل هزینه‌ها می‌دانند زیرا

جایگاهی برای کسب در آمد ندارند.
رکود اقتصادی درها را برای اخذ آگهی و تأمین مایحتاج روزنامه از جمله کاغذ، چاپ، دستمز د و… بسته است، آنها به گفته شاعر شیرین‌سخن اتکا نموده‌اند که می‌فرماید: «چو دخلت نیست، خرج آهسته‌تر کن» و قتیله چراغ نشربه خود را پایین کشیده و با کسر صفحات و تعدیل نیروها و محدود کردن دفتر و دستک سعی بر ماندن دارند!

امید آنها برای تأمین هزینه‌های کسب آگهی و معدودی تکفروشی و پاره‌له مشترکان بود که امروز همه این درها بسته و حتی فاتحه پاره‌له‌های کاغذ و اشتراک نیز خوانده شده است اما چون عشق این خدمت را داشته‌اند همچنان به کار خود ادامه داده و دلشان را به تسهیلات بانکی خوش کرده‌اند.

رسانه‌های مکتوب امروز اگرچه در حساس‌ترین زمان‌های انجام رسالت خبرسانی صحیح خود در کنار غرض‌ورزی شبکه‌های اجتماعی قرار دارند اما به خاطر خالی بودن دست‌هایشان از کمک‌ها و مساعدت‌های دولتی مجبورند اطلاعات صحیح را خلاصه کرده و در صفحات محدود خود جای دهند و در این حصر اقتصادی فشارهای شدیدی را تحمل نمایند که شاید نوعی عقبرگر درهنگی در دامنه رسانه‌ها به حساب آید. تنها گروهی از جامعه که به جریانات اقتصادی و محدودیت‌های مالی دولت آگاهی دارند همین رسانه‌های مکتوب هستند اما

انتظار آنها این است که برای مساعدت و تأمین اعتبار فرقی بین ملی و غیر ملی گذاشته نشود درحالی که هزینه‌های پرت در صداسومیا دهها برابر رسانه‌های مکتوب است که بر خراف قیاس مع‌الفرق میزان بودجه تخصیص داده‌شده برای رسانه ملی و آمار نیروهای شافل در آن هزاران برابر رسانه‌های مکتوب می‌باشد و این در حالی است که هزینه اکثر برنامه‌های رادیو و تلویزیون در تهران و شهرستان‌ها از طریق اسپانسرهای اقتصادی تأمین می‌شود اما رسانه‌های مکتوب به این راتن نیز دسترسی ندارند!
برای جراید و مجلات که قادر به تأمین حق‌التحریر و حقوق نویسندگان محتوای خودنیستند و ناچارند مطالب را به نقل از خبرگزاری‌ها و سایت‌ها تأمین نمایند، این اقدام نوعی افت اعتبار به حساب می‌آید اما دشواری دیداری و شنیداری مدت‌هاست کپی‌برداری از شبکه‌های مشابه خودی را رواج داده‌اند و برنامه‌های تولیدی‌را در چند نوبت پخش و تکرار می‌کنند!

این مسئله ظرف چند ماه گذشته به‌سرعت وسعت یافته و به خصوص شبکه‌های موزای رادیویی در مراکز استان‌ها آخرین نسل شنوندگان علاقه‌مند خود را به دلیل افت محتوا و تکرار برنامه‌ها و کپی از شبکه‌های دیگر از جمله پایتخت از دست می‌دهند! این امر در حالی است که هزینه‌های جاری در این رسانه و بخش‌های متعدد آن در سطح کشور به مراتب بیشتر از رسانه‌های بخش خصوصی و مکتوب است که قسمت عمده‌ای از نقل اخبار و گزارش‌های مستند را به عهده دارند!
اگرچه پارانه‌های امر مساعدت به رسانه ملی از نظر اقتصادی کوتاه می‌نگردند اما هزینه‌هایی که در ایسن مجموعه انجام می‌گردد با خدمات محدودی که ارائه داده می‌شود همخوانی ندارد و از آن سو رسانه‌های مکتوب به رغم همه محدودیت‌ها و حذف پارانه‌های بخش خود همچنان به تلاش ادامه داده و میدان را خالی نگذاشته‌اند در حالی که اکثریت بالاتفاق آنها از بدهی‌های کلان به شبکه‌های بانکی، چاپخانه، تچار کاغذ، اجاره محل و کارکنان خود رنج می‌برند اما چراغ را خاموش نموده‌اند تا نیروهای فداکار و ازجان‌گذشته و ایثارگر خود را از دست دهند!رسانه ملی با همه امکانات و پشتیبانی‌هایی که دارد سعی می‌کند بازار پریرتاز و آگهی‌ها را نیز قبضه کند و حتی خود را به‌صورت نامقول کاهش دهد که یکی از آنها له نمودن برنامه‌های رادیو ایران به آنتن شبکه‌های بعضی استان‌ها از جمله اصفهان است تااز تأمین برنامه محلی بی‌نیاز و هزینه‌ای برای پرداخت حق‌الرحمه پرسنل در این روزها نداشته باشد، چنینکه در سالروز شهادت حضرت فاطمه‌زها «ا س که مصافف با سقوط هواپیمای مسافربری در محدوده استان اصفهان و تعطیلی رسانه‌های مکتوب بود، رادیوی این شهر که می‌توانست نقش مهمی را در اطلاع‌رسانی داشته باشد نیز تعطیل بود و این همان راز تهران رله می‌نمود!

«روزنامه‌نگار پیشکسوت



روزنامه جوان | شماره ۵۳۲۷ | سنه‌شبه ۱۵ اسفند ۱۳۹۶ | ۱۷ جمادی‌الثانی ۱۴۳۹ | اذان ظهر: ۱۶:۱۲ | غروب آفتاب: ۱۸:۰۱ | مغرب: ۱۸:۲۲ | نیمه‌شب‌شعرعی: ۲۳:۴۴ | اذان‌صبح فردا: ۰۵:۰۰ | طلوع آفتاب فردا: ۰۶:۲۷ |

روزنامه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی صبح ابران

صاحب امتیاز: پیام‌آوران نشر روز
مدیرعامل و مدیرمسئول: عبدالله گنجی
سر‌دبیر: غلامرضا صدیقیان
آدرس: تهران، خیابان شهید مطهری
تقاطع میرزای شیرازی، پلاک ۳۸۴
سازمان آگهی‌ها: ۸۸۴۹۸۴۷۳
روابط عمومی: ۸۸۴۹۸۴۴۸
نمابر: ۶-۸۸۴۵۶۳۴۴
توزیع: شرکت نشر گستر امروز
۷۶-۷۶-۸۸۴۹۸۴۷۵
چاپ تهران: چاپخانه روزنامه جوان
www.javanonline.ir

روزنامه جوان | شماره ۵۳۲۷ | سنه‌شبه ۱۵ اسفند ۱۳۹۶ | ۱۷ جمادی‌الثانی ۱۴۳۹ | اذان ظهر: ۱۶:۱۲ | غروب آفتاب: ۱۸:۰۱ | مغرب: ۱۸:۲۲ | نیمه‌شب‌شعرعی: ۲۳:۴۴ | اذان‌صبح فردا: ۰۵:۰۰ | طلوع آفتاب فردا: ۰۶:۲۷ |

پشت پرده غیبت برخی فیلم‌ها در بخش ملی و حضورشان در بخش بین‌الملل فجر

هزارپا و خوک درخواست جهانی دارند



ایزد مهر آفرین

فیلمسازانی که حاضر نبودند

فیلمشان را به جشنواره ملی فجر بدهند، برای حضور در جشنواره جهانی فیلم فجر در صفا ایستاده‌اند.
در حالی که برخی از منتقدان و سینماگران دلسوز سینمای ایران قبل از آغاز سی و ششمین جشنواره فیلم فجر بر تلاش جریانی بر تضعیف جشنواره ملی با موضوع انقلاب تأکید داشتند و هشدار داده بودند و همچنین خبرنگار روزنامه «جوان» در نشست خبری جشنواره فیلم فجر در این مورد از دبیر جشنواره سؤال پرسیده بود، ظاهراً تصمیمات تازه سازمان سینمایی مهر تأییدی بر سخن دلسوزان سینمای ایران و انقلاب است.

هزار پا و خوک در خواست جهانی دارند

«سری‌که دردمی‌کند دستمال نمی‌بندند» این بخشی از اظهار نظر ابوالحسن داوودی کارگردان فیلم سینمایی «هزار پا» در توجیه شرکت نکردن فیلمش در جشنواره ملی فیلم فجر ارسال بود، البته این تصمیم و عدم شرکت در جشنواره ملی فیلم فجر مختص شخص «ابوالحسن داوودی» نیست و فیلمسازان دیگری هم چون «تینا یارکوان» و «مانی مساعدت» هم در این جریان به دلایلی ترجیح دادند فیلم‌هایشان را در این رویداد ملی شرکت ندهند، البته هر فیلمساز یا صاحب فیلمی اختیار را فیلمش است و شرکت دادن یا ندادن آن در جشنواره تصمیمی شخصی است؛ اقدامی که خیلی جای ایراد و خرده به آن نیست. هرچند با توجه به مناسبات سینمای ایران می‌شود تا حد زیادی حدس زد که علت این تصمیم از سوی ابوالحسن جیبست و چه علت‌ها و چه سیاست‌هایی دارد. اما نکته جالب و عجیب قضیه اینجاست که در کمتر از یک ماه بعد از جشنواره ملی فیلم فجر و در چرخشی ۱۸۰ درجه‌ای خبر می‌آید فیلم‌های کارگردانی چون «ابوالحسن داودی»، «صغر فرهادی»، «مجید مجیدی»، «مانی حقیقی» و فیلم تازه «کمال تبریزی» به اسم «مرازمو» قرار است در جشنواره جهانی فیلم فجر که مدیریت آن

حکمت

حکمت ۲۹۸
امام علیه السلام فرمود: کسی که در دشمنی با مخالفان افراط کند، آوده گناه می‌شود و کسی که کوتاهی کند بر خود ستم کرده (وحش ضایع می‌گردد) و کسی که در مقام خصومت برآید، نمی‌تواند حق تقو را رعایت کند.

فجر ما، فجر آنها

حذف نام «فجر» از جشنواره فیلم فجر در ادامه پروژه بلندمدتی است که از دو سال قبل و با دستور ایوبی و با سیاستگذاری حلقه معروف به تیم فرانسوی آغاز شده بود که وقتی با واکنش سینماگران و رسانه‌های دلسوز مواجه شده‌اند دست از این تصمیم کشیده‌اند و به احتمال زیاد از این به بعد تکمیل آن را باید در بخش محتوایی جست‌وجو کنیم؛ جایی که جشنواره فجر که در آن آثار سینمایی انقلاب کم و بیش حضور دارند و رسانه‌ها نسبت به آثار شائبه‌دار و ضدباورهای فرهنگی نظام موضع می‌گیرند، از سوی کارگردانان به ظاهر روشنفکر بایکوت می‌شود و در مقابل جشنواره‌ای که به سبک غربی تر فستیوال‌های فیلم برگزار می‌شود، جشنواره‌های می‌شود که برای آنها جشنواره خودی به شمار می‌رود و در آن برای حضور نه تنها هیچ ابایی ندارند بلکه اصولاً حضور در این جشنواره را راهی برای مخالفت با جشنواره ملی می‌دانند.

جشنواره جهانی یا قهرمان پوشالی

بروس یاز بزرگ افسانه‌ای فیلم‌های رزمی، فیلمی میهن پرستانه دارد که در ایران با نام «خشم ازدها» شناخته می‌شود. این فیلم داستان مبارزه رزمی کارنایی چنین تبار با متجاوزان ژاپنی است. در بخشی از این فیلم ژاپنی‌های با تمسخر چینی‌ها از آنها می‌خواهند تابلوی «قهرمان پوشالی» را بر سردر باشگاه ورزشی شان بزنند؛ اقدامی که خشم بروس لی را به همراه دارد و انتقام خونینی را در پی دارد. قهرمان پوشالی عنوانی است که این روزها برانزده جشنواره جهانی فیلم فجر است اما نه ژاپنی‌ها بلکه عملکرد ضعیف مدیریت جشنواره طی دوره‌های گذشته نشان داده که این فیلم ژاپنی حتی قادر نیست در حد جشنواره‌های فانتزی حاشیه خلیج فارس مؤثر باشد. هر سال می‌گذرد و هیچ خبری از ظهور یک فستیوال فیلم باساختارهای بین‌المللی نمی‌شود، حتی اقتلام از رسانه‌های منتقد برای اینکه یک قهرمان واقعی ظهور کند و با گرد و خاکش در جشنواره جهانی فیلم فجر، همان فیلمسازان ایرانی هستند که از دیده شدن فیلمشان در جشنواره ملی فجر با دستخدا!

با این وصف جشنواره جهانی فیلم فجر می‌شود محلی برای گفده‌های کسانی که شائبت خود را بیشتر از حضور در جشنواره ملی فجر می‌دانند و از طرف دیگر غیر از همین جشنواره جهانی فیلم فجر، جایی برایشان در جشنواره‌های جهانی وجود ندارد.

بستری شدن یک سینماگر پیشکسوت

در بیش از ۱۸ فیلم در مقام تهیه کننده، مدیر تولید و مدیر تات فعالیت داشته‌است. از مشهورترین بازی‌های خسرو امیرصادقی، ایفای نقش در فیلم ماندگار «مسافران مهتاب» است. وی به دلیل بیماری ربوی در بیمارستان خاتم‌الانبیاء(ص) تهران بستری شده است. «جوان» برای این هنرمند و سینماگر پیشکسوت از خادوندن عاقل را مسئول دارد.

منبع

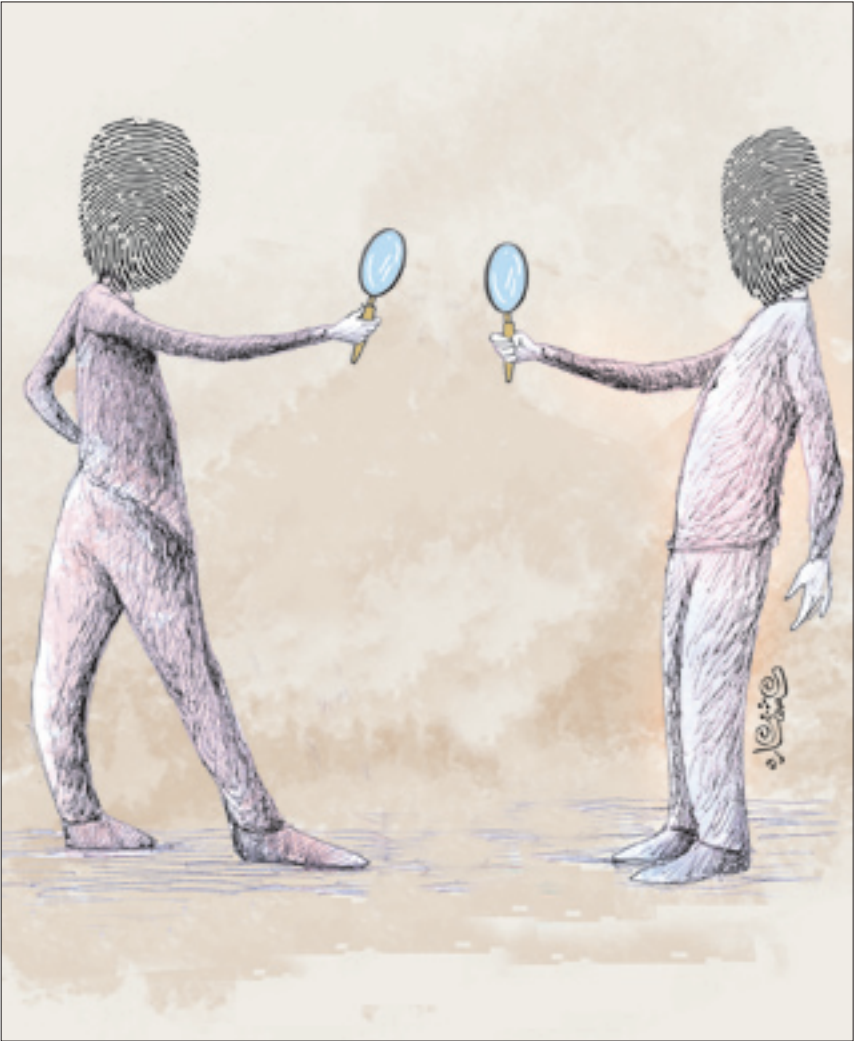
دردسر برای شاعر ۸۴ ساله

حذف نام نامزد نوبل از کتب درسی

به خاطر آزار جنسی

نام «کوان» شاعر مشهور کرای به دلیل طرح اتهام آزار جنسی از کتاب‌های درسی حذف می‌شود.

آنچه شاعر مشهور ۸۴ ساله با نویسنده‌گان زن، ویراستاران و ناشران انجام داده آنقدر شوک‌برانگیز است که نمی‌توان آن را باور کرد. به گفته چوبی یونگ می‌شاعر دیگر کرای که خود از قربانیان رفتار نامناسب این شاعر مشهور است، رفتار کو اون بسیار غیرقابل کنترل بوده و او بارها در جمع دست به رفتارهای نامناسب جنسی زده است. این شاعر می‌گوید: نویسندگان و چهره‌های ادبی زن کرای، بارها و بارها از رفتارهای زننده این شاعر آزار دیده‌اند. با توجه به اینکه کو شخصیتی تأثیرگذار در دنیای ادبی داشته و از نفوذ زیادی برخوردار بود، کسی نمی‌توانست این مسائل را عمومی کند. وی با اشاره به سلسله مرزانی که بین ناشران، ویراستاران و نویسندگان وجود دارد و انتقاد از این سلسله مراتب گفت: چهره‌های ادبی زن مجبور می‌شوند مصیبت‌های زیادی را در سکوت تحمل کنند. یونگ می‌افزود: با توجه به اینکه چهره‌هایی مانند کو برای ناشران بسیار اهمیت دارند، کارکنان چنین انتشاراتی‌هایی بیش از همه در معرض آزار جنسی قرار می‌گیرند. کو پس از انتشار «پنومونی» در سال ۱۹۵۸ به شهرت رسید و بیش از ربع قرن در ادبیات معاصر کره چهره‌ای تأثیرگذار بود. در حالی که از نظر مردم او روح ادبی کشور بود که سعی داشت معنی زندگی روزمره و موضوع‌های اجتماعی روز را درآید، بیشتر درصدارضای مسائل جنسی‌اش بود و اکنون به نظر می‌رسد زندگی واقعی او بسیار یا آنچه مردم تصور می‌کردند فاصله داشته است. اکنون در سال‌های غروب آفتاب زندگی او، به نظر می‌رسد این شاعر باید بهای رفتارهای نامناسبی را که چند دهه پیش انجام داده است، بپردازد.



خانم میلانی، حتماً فیلم «به وقت شام» را ببینید



فرزین ماندگار

واکنش دور از نزاکت به سخنان یک مادر شهید مدافع حرم از زبان یک سینماگر بی‌سابقه به نظر می‌رسد چرا که شهیدا و خانواده‌های آنها در گذشته همواره قشری مسود احترام بوده‌اند. رعایت حرمت بازماندگان جنگ و خانواده‌های آنان به ایران محدود نمی‌شود و در همه جهان برای این اقدار حقوقی جداگانه لحاظ می‌کنند، البته فضای عرفی جوامع نیز به این مسئله اشرف دادند. این احترام در کشورهای غربی به شدت رعایت می‌شود طوری که حتی پس از گذشت دهه‌ها، این افراد ارج نهاده شده و بر صدر قرار می‌گیرند و فرقی هم نمی‌کند که بازمانده چه جنگی باشند تا حدی که با وجود نارزایتی مردم آمریکا از حمله نظامی و اشغال ویتنام نظامیان بازگشته از آن فاجعه مورد احترام بودند. این ادب در مواجهه با نظامیان و آسیب‌دیدگان جنگ یک امر پذیرفته شده انسانی است.

بماند که اساساً مقام شهدا در فرهنگ ملی و دینی ایران باعث می‌شود برای این اقدار جایگاه ویژه‌تر و متفاوت‌تری نسبت به کشورهای دیگر قائل شویم و همین مسئله احترام مضاعفی را طلب می‌کند و باز بماند که حضور نظامی ایران در سوریه کاملاً جنبه دفاعی دارد.

آیا می‌شود قائل به جهل خانم میلانی نسبت به جایگاه این اقدار باشیم؟ کسی که در مرام و مسلک زندگی‌اش همواره غرب را مبنا و مرجع قرار می‌دهد چگونه است که در این مورد مشخص، یعنی رعایت شأن خانواده بازماندگان جنگ از غربی‌ها تأسیس نمی‌کند و یا لحنی به دور از ادب و ظلبکارانه یک مادر شهید را خطاب قرار می‌دهد. «بن ویدئو را چند نفر در تلگرام با کلمات تمسخرآمیز برایم فرستاده‌اند.» حالا اگر چند نفر به خود جسارت داده‌اند که به طور خصوصی همسر یک شهید را مسخره کنند، به جای نصیحت آنها باید به‌ خود اجازه بدهید آن را عمومی کنید؟

ادبیات به کار رفته توسط خانم میلانی مدعی دفاع از حقوق زنان درباره یک مادر شهید شمنزن کننده است؛ البته اگر این بانو فرزند ی از دست داده جای تأسف است

اما چه ربطی به لیلای سینمای ما دارا شهید حرم مورد نظر ایشان که علت شهادت ایشان، مورد بحث و اعتراض بسیاری از ایرانیان است! کجای صحبت‌های لایلا خانم در براین بود».

واقعا اگر یک مادر شهید به طور کاملاً مودبانه و از راه‌های قانونی علیه یک بازیگر شکایت حقوقی کند، پاسخش این

در شب نودمین اسکار چه گذشت

تجاوز و همجنس‌بازی، برندگان مجسمه طلایی اسکار



محمدرضا بهیقی

روش اهدای جوایز اسکار امسال نشان داد فرمول همیشگی «به همه گروه‌ها جایزه بدهد و همه را راضی کن» به سالن مراسم برگزار ی اسکار سرایت کرده است. مراسم اسکار در غیاب مضامینی جهان‌سومی مثل تعدی و تجاوز و خالی بودن آثاری مثل فروشنده (صغر فرهادی) در جمع نامزدها این نقصان را با فیلم امریکایی «سه بیلورد خارج از اینبگ، میزوری» (مارتین مک دانا) بر کرد، البته تیغ انتقادات از آن را رسماً تبدیل به خندوانه و دوره‌همی کرده بود. نخستین جایزه‌ای که در مراسم اسکار دیروز صحا اهدا شد جایزه بهترین است و بازگر نقش مکمل مرد بود که اغلب کارشمان انتظار داشتند

سِم راکول جایزه را دریافت کند و از سوی دیگر علاقه‌مندان سینما، منتظر دریافت مجسمه طلایی توسط کریستوفر پلامر بودند. پلامر برای بازی در فیلم کاپیتان جورج فون تراپ در فیلم اشک‌ها و لبخندها، نزد علاقه‌مندان سینما در ایران چهره شناخته‌شده‌ای محسوب می‌شود. نکته مهم این است که پلامر در فیلم همه پول‌های جهان جایگزین کوین اسپیسبی متجاوز شد. اما دیوانه بازی سِم راکول به حس نوستالژیک آکادمی

در سال‌های آتی باشیم؟